

| | | |
|-----------------------|---|---------------------------------------|
| تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ | باسم‌هه تعالی | نام و نام خانوادگی: |
| مدت امتحان: ۶۰ دقیقه | اداره آموزش و پرورش ناحیه ۶ | شماره کلاس: |
| ساعت شروع: ۱۳:۰۰ اصبح | موسسه فرهنگی آموزشی امام حسین علیه السلام | شماره صندلی: |
| تعداد صفحه: ۳ | امتحان درس <u>تفاریش</u> ۲ نیمسال اول | پایه: <u>بازدیدم</u> (نی، راضی، بجزی) |
| محل مهر مدرسه | (دی ماه ۹۸) | |

الف- بازشناسی: (نمره ۲)

۱- طرح اویله‌ی (بند مقدمه، بند‌های بدنی و بند جمع‌بندی را در داخل متن) و زمان و مکان، فضای نوشته و جزئیات نوشته‌ی را در جای خواسته شده مشخص کنید.

وقتی باران می‌بارد..... الف) مکان و زمان:

مرداد ماه است و اهالی روستا دل‌هایشان گرفته است. شالیزار مدت‌هاست رنگ باران به خود ندیده، کشاورزان دست دعا به سوی آسمان بلند می‌کنند.

ب) فضای نوشته:

نسیم نرم سبک، دعای باران را از دست‌های آنان به آسمان می‌برد، خداوند دعا را می‌شنود و
۲ مهربانانه، باران زیبا را به سویشان روانه می‌کند. بوی باران خاک خورده و چمن تازه در هوا پخش می‌شود. دست و روی دشت شسته می‌شود و زیبائی‌های آن دو چندان می‌گردد.
باران می‌آید و خیر و برکت را با خود می‌آورد. کشاورزان سرود شادی می‌خوانند و کودکان زیر باران به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند، پرندگان شادمانه می‌خوانند و شالیزارها جانی دوباره می‌گیرند.

ج) جزئیات نوشته:

باران شادمانه، دست آدم‌ها را می‌گیرد و آن‌ها را به دوران کودکی می‌برد. آن‌ها چشمانشان را می‌بندند و برای دقایقی به دوران خوش کودکی بازمی‌گردند و زمزمه می‌کنند:
«باز باران، با ترانه با گهرهای فراوان»

چشم‌ها ازفروд باران که زیباترین آغاز است به رنگین کمان دوخته می‌شود و همه، صاحب باران را شکر می‌گویند و با شادی و هیاهو فریاد می‌زنند: ای خدای مهربان باران، هرگز ما را تنها نگذار.

| بارم | سؤالات | ردیف |
|------|--|------|
| ۱ | ب - سازه‌های نوشتار (۴ نمره) ۲- ضرب المثل زیر را گسترش دهید. (انمره) ”از کوزه همان برون تراود که در اوست“ | |
| ۲ | ۳- شعر زیر را گسترش دهید و به «دادستانک» تبدیل کنید. (۲ نمره) | |
| | روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست | |
| | پرسید زان میانه یکی کودک یتیم کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاه است | |
| | آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست پیداست آنقدر که متاعی گرانبه است | |
| | نzdیک رفت پیرزنی کوژپشت و گفت این اشک دیده من و خون دل شماست | |
| | ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این گرگ ساله است که با گله آشناست | |
| | آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است آن پادشا که مال رعیت خورد گداست | |
| | بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست | |
| | «پروین اعتصامی» | |
| ۱ | ۴- حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید. (انمره) | |
| | فضلی به یکی از دوستان صاحب راز خود نامه می‌نوشت. شخصی پهلوی او نشسته بود به گوشة چشم نامه او را می‌دید. بر وی دشوار آمد، بنوشت: اگر نه پهلوی من دزدی نشسته بود و نامه من را نمی‌خواند همه اسرار خود را بنوشتیم، شخص گفت: والله نامه تو را مطالعه نکردم و نخواندم. گفت: ای نادان پس این را که می‌گویی از کجا می‌گویی؟ | |
| | پ - آفرینش: (۱۴ نمره) | |
| | ۵- یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و متنی زیبا بنویسید. رعایت املای صحیح واژه‌ها (۲ نمره) | |
| | رعایت نشانه‌های نگارش (۱ نمره) | |

| ردیف | سؤالات | بارم |
|------|--|------|
| | الف) توصیف مراسم شب یلدای خود ب) چهره‌ای که هرگز فراموش نمی‌کنم ج) بهترین روز زندگی من | |
| ۲۰ | سر بلند و پیروز باشید | |